

سید احمد علی حسینی



دانشگاه امام صادق

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

نقش مردم در حکومت اسلامی

(مقایسه اندیشه‌های فقهی آیت‌الله محمد حسین نائینی و آیت‌الله

سید محمد باقر صدر)

استاد راهنما:

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید علی حسینی

استاد مشاور:

دکتر اصغر افتخاری

دانشجو:

بهنام طالبی طادی

شهریور ۱۳۹۳

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد برای دانشگاه امام صادق (علیه السلام) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه: آقای بهنام طالبی طادی کد دانشجو: ۸۶۳۱۴۶۵۱۹  
تحت عنوان: نقش مردم در حکومت اسلامی (مقایسه اندیشه‌های فقهی آیت الله محمد حسین  
نائینی و آیت الله سید محمد باقر صدر)  
را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد  
می‌کنند.

محل امضاء

رتبه علمی

اعضای هیات داوران نام و نام خانوادگی

استادیار  
دانشیار  
دانشیار  
استادیار

(۱) استاد راهنما: دکتر سید علی حسینی

(۲) استاد مشاور: دکتر اصغر افتخاری

(۳) نماینده شورای

تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر حسین هوشنگی

(۴) استاد ناظر:

(۱) دکتر حسین بیرشک

## چکیده:

مردم‌سالاری دینی به‌عنوان نظریه ابتکاری انقلاب اسلامی با مبانی درون دینی از چنان قوتی برخوردار است که می‌تواند به‌عنوان الگوی جدید حاکمیت عدالت محور و جایگزینی برای نظریه‌های لیبرال دموکراسی و سوسیالیستی در سطح جهان، خاصه به‌مثابه الگوی انقلاب اسلامی در کشورهایی که با بیداری اسلامی مواجه شده‌اند، مطرح شود. اگرچه این نظریه دارای ابعاد و مسائل فراوانی در حوزه علم «کلام»، «حقوق عمومی»، «علوم اجتماعی»، «فرهنگ» و «سیاست» است که می‌تواند مورد واکاوی اندیشمندان این علوم قرار گیرد، لیکن بنیادی‌ترین مسئله در این نظریه تبیین بایدها و نبایدهای فقهی به‌عنوان مبادی مشارکت دهی عمومی در حکومت اسلامی است. لذا تبیین جایگاه مردم در حاکمیت دینی مبتنی بر مبانی فقهی و مبادی تصدیقه علم فقه، امری بس ضروری در پیشبرد این نظریه است. از آنجا که آیت الله نائینی و آیت الله صدر، حسب شرایط زمانی در ارتباط ملموس‌تری با چالش‌ها و مسائل حکومت دینی قرار داشتند، رجوع به اندیشه و نظرات فقهی آن‌ها در تبیین جایگاه مردم در حکومت اسلامی بس ضروری می‌نماید. روشی که در این رساله پیگیری می‌شود مبتنی بر مبادی و مبانی اولیه فقهی در اتکاء به آراء عمومی است که در منظومه فکری این دو فقیه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

**کلمات کلیدی:** فقه، سیاست، نائینی، صدر، مردم‌سالاری دینی، ولایت فقیه

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
فصل اول. مفاهیم و مبانی نظری	
۱- مفاهیم .....	۸
۱-۱- فقه .....	۸
۲-۱- دموکراسی .....	۹
۳-۱- مردم‌سالاری دینی .....	۹
۴-۱- جامعه مدنی .....	۱۰
۵-۱- حکومت .....	۱۰
۲- مبانی نظری .....	۱۱
۱-۲- ادله و مبانی اولیه جواز مشارکت دهی مردم در قدرت .....	۱۱
۲-۱-۱- عرف .....	۱۱
۲-۱-۲- سیره عملی معصومین علیهم صلوات الله .....	۱۳
۲-۱-۲-۱- سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله .....	۱۳
۲-۲-۱-۲- سیره ائمه طاهرين عليهم السلام .....	۱۴
۲-۲-۱-۲-۳- مؤیدات روایی .....	۱۵
۲-۱-۲-۱-۳- روایت اول .....	۱۵
۲-۱-۲-۲-۳- روایت دوم .....	۱۶
۲-۱-۲-۳-۳- روایت سوم .....	۱۶
۲-۱-۲-۴-۳- روایت چهارم .....	۱۶
۲-۱-۲-۵-۳- روایت پنجم .....	۱۶
۲-۱-۲-۶-۳- روایت ششم .....	۱۷
۲-۱-۳- نظریه ولایت فقیه و مبانی مشارکت دهی عمومی در حاکمیت اسلامی .....	۱۷
۲-۱-۳-۱- مناسبات اختیار حاکم و رعیت در نظریات ولایت فقیه .....	۱۷
۲-۱-۳-۲- رهیافت های نظریه ولایت فقیه در تفویض قدرت به مردم .....	۱۸
۲-۱-۳-۱- معیارهای دین شناسانه .....	۱۸
۲-۱-۳-۲- معیارهای شخصیتی ولی فقیه .....	۱۸

۱۹	۲-۱-۳-۳- حدود اعمال قدرت
۱۹	۲-۱-۳-۴- رهیافت های غایت شناسانه
۲۰	۲-۲- مبانی مشارکتدهی عمومی از منظرگاه فلسفه سیاسی
۲۰	۲-۲-۱- نظام سیاسی در فلسفه سیاسی
۲۱	۲-۲-۲- مدینه
۲۱	۲-۲-۳- فرد و اجتماع مدنی
۲۲	۲-۲-۴- نقش مردم در حکومت از منظرگاه فلسفه سیاسی
	فصل دوم. اندیشه‌های فقهی آیت‌الله نائینی در مورد نقش مردم در حکومت اسلامی
۲۵	مقدمه
۲۷	۱- پیش فرض‌ها و مؤلفه‌های نظام فکری نائینی
۲۹	۱-۱- پیشرفت تمدنی غرب و استضعاف مسلمین
۳۱	۱-۲- سوء استفاده از دین در استمرار استبداد
۳۲	۲- تشکیل حکومت دینی از منظر آیت الله نائینی
۳۲	۱-۲- وجوب تشکیل حکومت
۳۲	۲-۱-۱- اقتضائات فطری انسانی
۳۴	۲-۱-۲- حفظ نظام
۴۲	۲-۲- مشروعیت حکومت
۴۵	۲-۲-۳- مشروعیت حکومت مشروطه
۴۷	۲-۳- انواع حکومت از دیدگاه نائینی
۴۸	۲-۳-۱- حکومت تملیکیه
۴۸	۲-۳-۲- حکومت ولایتیه
۵۰	۳- حاکم در حکومت اسلامی (ولایت فقیه از دیدگاه نائینی)
۵۱	۳-۱- حقیقت و مراتب ولایت معصومین <small>علیهم صلوات الله</small>
۵۲	۳-۲- اثبات ولایت تشریحیه معصومین برای فقیه
۵۳	۳-۳- محل نزاع در موضوع «ولایت فقیه»
۵۳	۳-۴- اقوال در ثبوت ولایت عامه برای فقیه
۵۳	۳-۴-۱- اثبات ولایت والی برای فقیه
۵۵	۳-۴-۲- نقد ادله روایی در اثبات ولایت فقیه:

۳-۴-۳	اثبات ولایت عامه برای فقیه با توجه به امور حسبه	۵۷
۳-۴-۳-۱	تعریف امور حسبه	۵۷
۳-۴-۳-۲	نظرات فقها پیرامون حسبه	۵۸
۳-۴-۳-۳	دیدگاه مرحوم نائینی پیرامون حسبه	۶۰
۴-۳-۴-۱	مفاهیم و ادله در تبیین نقش مردم در حکومت	۶۱
۴-۳-۴-۱-۱	مبانی ذی حق بودن مردم در قدرت حاکم	۶۱
۴-۳-۴-۱-۱-۱	احکام ثابت و متغیر به مثابه بستری برای تفویض قدرت به مردم	۶۱
۴-۳-۴-۱-۲	شورا	۶۹
۴-۳-۴-۱-۲-۱	دلالت معنایی شورا	۶۹
۴-۳-۴-۱-۲-۲	شورا در راهبرد سیاسی نائینی	۷۱
۴-۳-۴-۱-۳	مجاری شورا	۷۳
۴-۳-۴-۱-۳-۱	امر به معروف و نهی از منکر	۷۳
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۱	جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات	۷۴
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۲	اقوال و اسناد در وجوب امر به معروف و نهی از منکر	۷۴
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۲-۱	آیات قرآن کریم	۷۵
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۲-۲	پاره‌های از روایات	۷۷
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۳	نوع وجوب امر به معروف و نهی از منکر	۸۳
۴-۳-۴-۱-۳-۱-۴	شروط و شرایط عمل در امر به معروف و نهی از منکر	۸۵
۴-۳-۴-۱-۴-۱	اصل مشارکت و تسلیط	۸۷
۴-۳-۴-۱-۴-۵	اصل آزادی	۸۸
۴-۳-۴-۱-۴-۶	اصل مساوات	۹۰
۴-۳-۴-۱-۴-۷	مشارکت عمومی مقدمه واجب (رفع ظلم)	۹۰
فصل چهارم. اندیشه‌های فقهی آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر درباره نقش مردم در حکومت اسلامی		
مقدمه		
۹۵		
۹۶	۱- مبانی نظام اندیشه‌ای شهید صدر	
۹۷	۱-۱- روش‌شناسی آیت‌الله صدر در منطق فهم دین	
۹۷	۱-۱-۱- دیدگاه صدر مورد اجتهاد و نیاز به آن	



- ۹۸-۱-۱-۲- انواع اجتهاد و نوع وجوب آن.....
- ۹۹-۱-۱-۳- انگاره‌های نظاممند در روش اجتهاد.....
- ۹۹-۱-۱-۴- فقه النظرية.....
- ۱۰۰-۱-۱-۵- نظام مند بودن احکام.....
- ۱۰۱-۱-۲- مبادی تصدیقیه فقه سیاسی در اندیشه صدر.....
- ۱۰۲-۱-۲-۱- دوگانگی «فرد» و «کل» در نظام مکلفین.....
- ۱۰۳-۱-۲-۲- فطرت توحیدی و معرفت پیشینی.....
- ۱۰۴-۱-۲-۳- دلایل فطرت مندی آدمی.....
- ۱۰۵-۱-۲-۴- خلیفه اللهی انسان.....
- ۱۰۶-۱-۲-۵- حق الطاعة و اصل اولی در تکلیف.....
- ۱۰۷-۲- حکومت از منظر شهید صدر.....
- ۱۰۷-۱-۲- تعریف حکومت و دولت از نگاه صدر.....
- ۱۰۹-۲-۲- انواع حکومت.....
- ۱۰۹-۱-۲-۲- حکومت مشروطه.....
- ۱۰۹-۲-۲-۲- حاکمیت ملی و قیومیت فقیه.....
- ۱۱۰-۳-۲-۲- ولایت عامه فقیه و رهبری مرجعیت.....
- ۱۱۱-۳-۲- شرایط و اختیارات حاکم اسلامی.....
- ۱۱۳-۳- جایگاه مردم در حکومت اسلامی.....
- ۱۱۳-۱-۳- نظرگاه عمومی صدر درباره جایگاه مردم در حکومت.....
- ۱۱۵-۲-۳- ادله فقهی تفویض قدرت به مردم.....
- ۱۱۵-۱-۲-۳- نظریه منطقه الفراغ.....
- ۱۱۹-۱-۱-۲-۳- ضوابط حاکم بر منطقه الفراغ.....
- ۱۱۹-۲-۲-۳- حجیت سیره متشرعه.....
- ۱۲۰-۳-۲-۳- اصل عدالت.....
- ۱۲۲-۴-۲-۳- بیعت.....
- ۱۲۳-۵-۲-۳- مالکیت مشاع.....
- ۱۲۵-۶-۲-۳- شورا.....

فصل پنجم. مقایسه اندیشه‌های فقهی آیت‌الله نائینی و آیت‌الله صدر پیرامون نقش مردم در حکومت اسلامی

مقدمه.....	۱۲۷
۱- مبانی و زیرساخت‌های تفکری صدر و نائینی.....	۱۲۸
۱-۱- حکم شرعی.....	۱۲۹
۱-۱-۱- تعریف حکم شرعی.....	۱۲۹
۱-۱-۲- حکم متغیر مجرای منطقه الفراغ.....	۱۳۰
۱-۲- فهم اجتماعی از نص.....	۱۳۱
۲- حکومت دینی در مقایسه آراء صدر و نائینی.....	۱۳۲
۱-۱- انتظار نائینی و صدر از حکومت دینی.....	۱۳۲
۱-۲- مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه صدر و نائینی.....	۱۳۳
نتیجه‌گیری.....	۱۳۵
منابع و مأخذ.....	۱۳۷

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و باز شدن آفاق تمدنی جدید در مقابل دیدگان بشری، انتظار ارائه ساختار دانشی هم‌جهت با آرمان‌های مطرح‌شده، همواره مورد انتظار دوست و دشمن این نهضت بوده است. در عصر حاضر که ما آن را دوران گذار می‌دانیم، با ارتفاع یافتن توقعات و تغییر سپهر وجودی انقلاب اسلامی و همچنین با توجه به آرمان اولیه این نهضت مبنی بر ایجاد حکومت جهانی اسلام و حاکمیت مستضعفین جهان، بیش‌ازپیش ضرورت حضور در عرصه‌های علمی جهت استخراج ساختار دانش نظام کلان اسلامی جلوه‌گر شده است. از طرف دیگر فقه اسلامی که یکی از مهم‌ترین و اصیل‌ترین علوم اسلامی است و سابقه شکل‌گیری آن به عصر آغازین پیدایش دین مقدس اسلام بازمی‌گردد، به مثابه تجلی عینی دستورات شریعت، وظیفه اداره فرد و جامعه را بر عهده دارد. لذا از این جهت است که حضرت امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: فقه، تئوری واقعی و کامل اداره‌ی انسان از گهواره تاگور است. (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ۲۸۹).

با چنین ظرفیتی که در ساحت فقه اسلامی دیده می‌شود، می‌توان تمامی مسائل نظام اسلامی را وارد این دستگاه فکری نمود و با تحلیل و بازتولید آن‌ها به سمت نظام سازی اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین جهانی حرکت کرد. یکی از مهم‌تری مسائل حاکمیت دینی در عصر انقلاب اسلامی مردم‌سالاری دینی است، لیکن ابعاد وسیع این نظریه و کار ویژه آن در حوزه حاکمیت ملی مشخص نشده است درحالی‌که این نظریه ظرفیت تغییر افق اندیشه جهانی نسبت به حاکمیت مبتنی بر دین را دارا هست. به نظر نگارنده اولین قدم در راه نشان دادن کار آرای حاکمیت دینی به جهان معاصر، روشن کردن ابعاد و زوایای دینی این نظریه است لذا بایسته است زوایای درون دینی تئوری حاکمیت مردمی را به منصفه ظهور رساند.

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌ها در سده گذشته آن بوده است که آیا فقه با مسائل فردی و تحول کند و کم حادثه، می‌تواند به نیازها و پدیده‌های متغیر جامعه پاسخ گوید و مدیریت جامعه متحول را به سامان برساند. پاسخ‌ها به این پرسش متفاوت بود و موجب گردید که فقهای اجتماعی جهت ظهور و تجلی توانایی‌های پویای اجتماعی - سیاسی فقه تکاپو کنند با صیادی در آن به گهرهای پیدا و پنهان دست یابند و برای بازنمایی عناصر و آموزه‌های پویا و منعطف آن، به روش اجتهاد جنگ زنند و راهگشایی آن را مورد توجه جدی قرار دهند. فقیهان و متفکران مصلح تلاش کردند تا برداشتی نو، کارآمد و متحول از دستورها و احکام دگرگون شونده فقه ارائه کنند. طالقانی به احیای کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» دست زد تا خوانش نوین نائینی از هماهنگی فقه با مفاهیم جدید را بار دیگر مطرح کند، مطهری بحث «اسلام و مقتضیات زمان»، علامه طباطبایی بحث «عناصر ثابت و

متغیر» و سید محمدباقر صدر بحث «نظام‌های اجتماعی اسلام و منطق‌الفرع» را در حوزه اجتماعی مطرح نمودند. سرآمد همه فقهای اجتماعی امام خمینی رحمه‌الله بود که توانست با تشکیل حکومت اسلامی گامی عملی در این جهت بردارد و با بازگشتی جدی و فعالانه به اجتهاد، ظرفیت‌های آن را برای حل بن‌بست‌های نظامی دینی بازگو کند و با طرح عناصر زمان، مکان، مصلحت و حفظ نظام اسلامی، زوایا و فضایی دگرگون و کارآمد در فقه سیاسی به وجود آورد.

علم فقه اسلامی مانند دیگر علوم اسلامی دارای هویتی مستقل و غایت مشخص در حوزه فرد و اجتماع هست لیکن این هویت مستقل در مذهب امامیه به علت جو خفقان و فقدان ارتباط با مسائل حکومتی به مسائل و موضوعات فردی محدود مانده و ورود چندانی به فقه نظام کلان اجتماعی و سیاسی نداشته است. این امر در فقه عامه به علت ارتباط ملموس با مسائل حاکمیت و اداره جامعه تفاوت چشمگیری با فقه امامیه دارد لذا فقه عامه را می‌توان مملو از مسائل حکومتی و اجتماعی دید ولی به علت فقدان ظرفیت روایی و محرومیت از منطق اجتهاد منبعث از معصوم، موفق به تأسیس نظام مطلوب فقه حکومتی و فقه نظام ساز نشده است. در این میان فقه امامیه توانست از محدودیت‌های عصر نبوی گذر کرده و حقیقتاً معنای اکمال دین را با تمسک به معارف اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام تجربه کند، چه اینکه مدت بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و اله محدود به بیست‌وسه بود که عمدتاً تلاش حضرت باهدف ایجاد بنیان‌های جامعه دینی و استحکام زیر بنایی این دستگاه جدیدالتأسیس در زمان جاهلیت بود لذا کار ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و اله بسط نظری معارف توحیدی در ابعاد مختلف نبود بلکه این امر مهم به اهل‌بیت ایشان سپرده شده بود.

همچنین نظام استنباط و اجتهاد پویا در مکتب فقهی و اصول امامیه از ابتدای تفکیک استنباطات فرعی از احادیث فقهی کاملاً متمایز با جریان استنباط اهل عامه است. فقه شیعه به سد باب اجتهاد معتقد نیست و حصر آن را به ضرر جامعه اسلامی می‌داند. بر این اساس هرکس در هر زمان در صورتی که شرایط اجتهاد باشد، می‌تواند به کتاب و سنت و ادله اصول رجوع نماید و احکام شرع را در موضوعات مختلف، مستحدث و غیر متسحدثه استخراج نماید. از این رو فقه شیعه فقهی پویا و غنی و قابل انطباق در هر عصر و زمان است. توانایی پاسخ به موضوعات و مسائل مختلف و ایجاد نظام فقه‌الاداره را دارا هست؛ اما فقه عامه بعد از فقهای چهارگانه خود، باب اجتهاد مطلق را سد کرده‌اند و تنها اجتهاد منتسب در محدوده مبانی و فتاوی امام فقهی خود را که قطعاً معصوم و آینده‌نگر نیست، پذیرفته‌اند. با این نوع اجتهاد آزاداندیشی که مقومات ذاتی پیشرفت علم است سلب می‌شود.

از دیگر امتیازات فقه امامیه استقلال غایی و محتوایی این علم از منافع و جریان‌های حاکمیت سیاسی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران است. لذا در مقام فتوا از هر تقیید و تضيیقات آزاد بوده و وابستگی فکری و منفعتی به هیچ جریان سیاسی نخواهد داشت. منابع مالی این نظام فقهی نیز به صورت مردمی و با نظرات مراجع عظام تقلید تأمین می‌پذیرد ولی در فقه عامه از آنجاکه شدت وابستگی مالی و مدیریت ساختار فقهی به دستگاه‌های حاکمیت زیاد است می‌توان فتاوی کاملاً غیر منطبق با معارف دینی همچون سکوت در برابر حاکم ظالم را در این حوزه مشاهده کرد.<sup>۱</sup>

در مجموع وجود ابواب و نظریات مختلف از طهارت تا دیات آموزش احکام و روش‌های صحیح زیستن و تنظیم روابط فرد با اجتماع، خود و خدا، همگی حاکی از ظرفیت عظیم فقه در تولید نظام علمی اداره جامعه است. لذا برای ورود به کاربست فقه سیاسی که در این رساله به دنبال پاسخ‌گویی به برخی از مسائل و مبادی آن هستیم، بایسته است با بهره‌گیری از روش اجتهادی، برای مسائل پیرامون خود حکم مقتضی، صادر و آن‌ها را توصیف کند و در فراگردی تدریجی، در جهت تغییر نگرش‌های حاکم بر جامعه قدم بردارد. طبعاً هرگونه نظریه‌پردازی در باب فقه سیاسی بر اساس بنیادهای تمدنی و معرفت‌شناختی اسلامی باشد، این دیدگاه، دین و دولت را در کنار یکدیگر می‌بیند و برای تأیید دیدگاه خود، استدلال‌های کلامی، فقهی و عقلی می‌آورد که در جای خود آمده است و این نوشته عهده‌دار پرداختن به آن حیثه نیست.

اجتهاد در این ساحت ظرفیتی بالا دارد و نظریه‌پرداز می‌تواند با تکیه بر عقل، رجوع به نصوص دینی و کاوش روشمند و متعاملانه میان نص و واقعیت، گامی اساسی در جهت تولید علم و نظریه-پردازی بردارد. سرآغاز این حرکت، انتقاد است، همان‌گونه که در فرایند اجتهاد، هیچ دیدگاهی از فقیهان گذشته، پیشاپیش دارای صحت و اعتبار نیست و همه نظریات آنان مورد بازخوانی، بازفهمی، شناسایی دوباره و جرح و تعدیل قرار می‌گیرند، فهمندگان زمان‌آگاه نیز می‌توانند با نقادی واقع‌بینانه،

---

۱ مسلم بن حجاج نیشابوری در این زمینه از رسول خدا روایتی را در کتابش آورده که حتی در مقابل حکام شیطان صفت نیز باید مطیع و فرمانبردار بود، هر چند این حاکمان، شما را بزند و مال و اموال شما را غصب کند: حدیث بن یمان می‌گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم ما در راه شر [و گمراهی جاهلیت] بودیم خداوند برای ما خیر [و نیکی اسلام] آورد آیا پشت این خیر، شری به ما می‌رسد فرمودند: آری، عرض کردم آیا بعد از آن شر، خیری هم هست؟ فرمودند: آری، عرض کردم چگونه، فرمودند: بعد از من امامانی خواهند بود که به هدایت رهنمون نمی‌کنند و به سنت من عمل نمی‌کنند و در بین آنان مردانی هستند که قلوبشان قلبهای شیطان است و جسمشان جسم آدم، عرض کردم وظیفه ما در این هنگام چیست؟ فرمودند: فرمانبردار و مطیع امیر باش و سخنش را بشنو اگرچه تو را بزند و اموال را بگیرد فرمانبردار و مطیع باش. (النيسابوري القشيري، ابوالحسن مسلم بن

الحجاج، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۱۴۷۶

سنجیده و نگاهی عمیق به مقتضیات و مشکلات جهان معاصر، بسیاری از نظریه‌های به‌ظاهر کامل و دور از انتقاد را به چالش کشند و در جهت ارائه مدلی جدید و الگویی مطلوب گام بردارند. با تکیه بر پشتوانه‌ها متنی و تمدن اسلامی به‌دوراز ارعاب هم به نقد منظومه فکری دیگر نظام‌های فکری-سیاسی به‌ویژه تمدن غرب، دست یازند و هم با نگرشی روشن‌بینانه از تجربه‌ها، آموزه‌ها و آزموده‌های جهان جدید بهره گیرند.

در تبارشناسی نظری علم فقه می‌توان به این نکته رسید که برخی فقیهان با گام نهادن در عرصه نظریه‌پردازی نوین فقهی و اتکاء به حجم انباشت دانشی که توسط فقیهان پیشین صورت پذیرفته بود، توانستن با ترکیب هماهنگ میان دو عنصر «ثابت» و «متحول» که مبتنی بر فهم عنصر ثابت، درک متغیرات و تعیین حوزه صلاحیت‌ها و حدودی که اختیارات ولی امر است، بسیاری از مسائل و معضلات اجتماعی و سیاسی را از منظر فقه حل و فصل نمایند. در زمره این اندیشمندان می‌توان به آراء و نظرات آیت الله صدر و نائینی اشاره کرد که متناسب با شرایط زمانی، دال اصلی نظریه‌پردازی خود را، در مورد جایگاه مردم در حکومت اسلامی قرار داده و با توجه به مبانی فقهی و دو عنصر مذکور به سؤالات و ابهاماتی که در این باره وجود داشت پاسخ گفتند. نائینی مبتنی بر نظریات فقهی پیشین در مواردی مانند «شروط ضمن عقد» به بسط احکام ثابت و متغیر در حوزه سیاست و اجتماع پرداخت و صدر پس از نائینی با ارائه تئوری «منطقه الفراغ» این رشته نظری را به بلوغ نسبی رساند که در فصول مربوطه به توضیح بیشتر آن خواهیم پرداخت.

### پیشینه تحقیق

حسب فحوص نگارنده تاکنون در حوزه مبانی، اصول و چارچوب اختیارات مردم در نظام اسلامی و تراجمات پیش‌آمده در این بین، پژوهش فقهی عمیقی که به واکاوی مبانی فقهی و اصولی مرتبط با موضوع اختیارات مردم در نظام اسلامی بپردازد، صورت نگرفته است. همچنین پژوهش‌هایی با عنوان مردم‌سالاری دینی در دیدگاه شهید صدر و علامه نائینی انجام شده است ولیکن اولاً در هیچ‌کدام بررسی تطبیقی بین اندیشه این دو بزرگوار صورت پذیرفته است و ثانیاً به ادله فقهی و اگذاری قدرت به مردم در حکومت اسلامی در ذیل نظریات این دو اندیشمند پرداخته نشده است. البته مرحوم نائینی، شهید صدر، حضرت امام خمینی (ره) و دیگرانی همچون آقای منتظری از اولین فقیهانی هستند که کلیات و مبانی اصلی این بحث را ارائه می‌دهند. همچنین می‌توان در این باب به تحقیقاتی مانند کتاب مردم‌سالاری دینی از مسعود پور فرد و مهار قدرت در مردم‌سالاری دینی و کتاب مردم‌سالاری دینی در نهج‌البلاغه، علی کربلایی و مقالات پراکنده با عنوان مردم‌سالاری دینی، اشاره

نمود که صرفاً اشاره‌ای به نظرات و آراء فقها (و یا علامه نائینی و شهید صدر) در این موضوع دارد، ولی عاری از هرگونه بحث مستدل و روشمند فقهی است که بتواند مبانی و اصول را استخراج کرده و به عنوان قواعد و تئوری جدید در این حوزه ارائه دهد. نوآوری تحقیق پیش رو در این است که با استفاده از منطق فقه کلاسیک و انبوه نظریه پردازی‌ها در طول ادوار متمدنی فقه، مبتنی بر آراء نظرات دو اندیشمند فوق‌الذکر، مبانی و چارچوب فقهی اختیار مردم در نظام اسلامی را از منظر فقه امامیه مورد واکاوی قرار داده و ابواب جدید فقهی در حوزه فقه سیاسی تأسیس نماید.

### اهمیت و هدف پژوهش

در عصر حاضر که از طرفی نظریه‌های لیبرال دموکراسی و سکولاریسم به‌عنوان الگوی برتر حکومت-داری در فضای پست‌مدرن به بن‌بست رسیده است و از طرفی با توجه به حرکت بیداری اسلامی در کشورهای شمال آفریقا، نیاز بیش‌ازپیش به تدوین نظام تئوریک حکومت اسلامی ایران به‌عنوان الگوی برتر حکومت‌داری احساس می‌شود. لذا بایسته است که با استفاده از اندوخته‌های علوم اسلامی، خصوصاً علم فقه، به حل مسائل جامعه اسلامی بپردازیم. در این میان اندیشه این دو فقیه والامقام و نظام فکری ایشان که اولین برخورد جدی را با مسائل حکومتی و سیاسی داشته‌اند، بسیار می‌تواند در این امر راهگشا باشد. با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر تولید فقه حکومتی و تجربه نظام اسلامی ایران بر دو محور ولایت‌فقیه و مردم‌سالاری دینی به نظر می‌رسد که پرداختن به مسائل این حوزه می‌تواند ما را در گذار از پیچ تاریخ مساعدت بخشد و نظام ایران را به‌عنوان یک الگوی موفق در حکومت دینی معرفی نماید.

### سؤالات اصلی

- ۱- نقش مردم در حکومت اسلامی در اندیشه‌های فقهی علامه نائینی چیست؟
- ۲- نقش مردم در حکومت اسلامی در اندیشه‌های فقهی آیت‌الله سید محمدباقر صدر چیست؟
- ۳- ادله فقهی تفویض اختیارات سیاسی- اجتماعی به مردم در حکومت اسلامی در مقایسه اندیشه‌های آیت‌الله سید محمدباقر صدر و علامه نائینی چیست؟

### فرضیه

با بررسی دیدگاه‌های دو اندیشمند مذکور مشخص می‌شود که ایشان اصل سهیم بودن مردم در حکومت اسلامی را پذیرفته‌اند ولی نوع نگاه به جایگاه مردم در نظام اسلامی، میزان و مبانی تفویض

اختیارات به آن‌ها در نظر شهید صدر و علامه نائینی متفاوت است. بر اساس نظر نائینی مردم با اذن فقیهان صاحب‌ولایت در امور حسبه، دارای اختیارات در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی می‌شوند، ولی در نگاه شهید صدر نسبت به دیدگاه نائینی مردم در اختیارات سیاسی و اجتماعی نقش پررنگ‌تری دارند. به‌هرحال در دیدگاه شهید صدر حوزه اقتدار و قدرت سیاسی مانند نظر نائینی محدود و بسته است. هرچند که شهید صدر برای این محدودیت دلیل شرعی دارد و نائینی از باب اضطراب آن را مطرح کرده است و نیز اصل پاسخ‌گو بودن نظام سیاسی نشانه قابل‌تغییر و تفسیر و تفویض بودن حاکمیت دینی است و این با مبانی شهید صدر در مشروعیت نظام سیاسی مردم‌سالار دینی هم‌خوانی و هماهنگی دارد.



# فصل اول

## مفاهیم و مبانی نظری

۱. مفاهیم

۱-۱- فقه

تعریف لغوی: واژه «فقه» در لغت به معنای فهمیدن و علم به اشیا به کاررفته است. (فیومی، ۱۴۰۵، ۹۸) اما آنچه از تصریح لغویان و کاربردهای واژه فقه پیدا است، معنای فقه، اخص از مطلق فهم و دانستن است و منظور از آن فهم عمیقی است که نشأت گرفته از دلیل است. (عسگری، ۱۴۱۲ هـ ق، ۴۱۲)

تعریف اصطلاحی: در اصطلاح فقه به چندمعنای متفاوت کاربرد داشته است (شلبی، ۱۴۰۵، ۳۲):  
۱) اصطلاح عام که منظور همه معارف و احکامی است که از طرف خداوند متعال نازل شده؛ چه درزمینه اعتقادی و اخلاقی و چه درزمینه فروع عملی باشد.

۲) اصطلاح خاص؛ منظور از آن احکام شرعی فرعی عملی است که عبادات، معاملات، مسائل حقوقی، کیفی، تجاری و غیره را شامل می‌شود و امروزه بخشی از آن در رساله‌های عملی به صورت فتوا دیده می‌شود.

۳) فقه به معنای علم فقه؛ در این اصطلاح فقیهان، فقه را به تعاریف مختلفی بیان کرده‌اند که از میان آن‌ها این عبارت از شهرت بیشتری برخوردار است:

«الفقه هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصیلیة»

ظاهراً این تعریف برای اولین بار توسط متأخرین فقهای امامیه مطرح شده است و قبل از آن چنین تعریفی از علم کلاسیک فقه دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

در این تعریف احکام شرعی به مجموعه قوانین و مقرراتی است که شارع و قانون‌گذار مقدس اسلام تشریح می‌کند. منظور از ادله تفصیلی منابع فقه هست که در فقه شیعه، کتاب، سنت، اجماع و عقل شهرت دارد.<sup>۲</sup>

قید فرعی خارج کننده اصول دین و عقاید است و به وسیله ادله تفصیلی علم به احکام از روی تقلید خارج می‌شود. در این رساله مراد از فقه، دانش فقه است هرچند در خصوص مسائلی به معنای مجموعه معارف دین و احکام عملی اشاره شده است.

۱ رکن شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰- حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲-مقداد، ۱۴۰۳، ص ۵- زین الدین، ۱۳۷۸، ص ۲۶

۲ البته نظرات دیگری در مورد منابع و ادله فقه وجود دارد لیکن این تعریف نیز توسط متأخرین شهرت یافته است

## ۱-۲- دموکراسی

دموکراسی از واژه‌ها یونانی «demos» یعنی مردم و «kratos یا cratia» یعنی حاکمیت و قدرت اقتباس شده که در مجموع به معنای حاکمیت مردم مشهور شد و به‌عنوان مهم‌ترین دوره مردم‌سالاری در یونان (آتن) ثبت گردید. این واژه در قرن شانزدهم میلادی از طریق واژه فرانسوی (دموکراتیک) وارد زبان انگلیسی شد و به تدریج با سایر ایدئولوژی‌ها و مکاتب تلاقی کرد و در قالبی ترکیبی مفاهیم خاص خود را پیدا کرد. مردم‌سالاری یونانی در فاصله مهر و موم‌های ۳۳۸ تا ۵۰۸ ق.م تحقق یافت. سه شخصیت مهم آتن ساولون، کلیستن و پریکلِس تغییرات اولیه در نظام اریستوکرات آتن در جهت مردم‌سالاری را آغاز کردند. این تجربه دموکراسی پس از یک و نیم قرن با فتح یونان به وسیله فیلیپ مقدونی در سال ۳۳۸ ق.م به سرآمد و پس از قرن‌ها بار دیگر در اثر رنسانس اندیش وران اروپایی بر تقلید از تجربه یونان و روم تأکید کردند. (بهشتی معز، ۱۳۷۵، ۲۸) آنتونی گیدنز در تعریف دموکراسی می نویسد: «دموکراسی نظام سیاسی است که در آن مردم، نه شاهان یا اشراف حکومت می کنند». (صبوری، ۱۳۸۱، ۳۴۲)

## ۱-۳- مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی از دو واژه مردم و سالاری تشکیل شده است مفهوم مردم‌سالاری یعنی حکومت مردم ولی نه به صورت مطلق بلکه در چارچوب و ضوابط احکام دینی. (جمالی، ۱۳۸۷، ۵۶). در اینجا باید متذکر این نکته شد که باید مواظب بود، مردم‌سالاری دینی و مفاهیم دیگری که در دوران معاصر در ادبیات سیاسی شیعه تولید شده است، با ابهام و نارسایی معنایی به گذرگاهی برای اسلامیزه کردن مفاهیم غربی تبدیل نشود چراکه در نظریه مردم‌سالاری دینی، برخلاف نظریه دموکراسی غربی، به دنبال ایجاد حکومت مردم بر مردم نیستیم و همان‌طور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است حاکمیت از آن خداست و آنچه مردم در آن سهیم هستند ابراز مقبولیت اولیه جهت تمکین در ایجاد حکومت دینی است و همچنین در نحوه اداره امور و مساعدت ولی فقیه در نظارت بر مسئولین و در نتیجه ایجاد پویایی و نشاط اجتماعی در راستای کسب سعادت دینی.

بعضی گفته‌اند: «مردم‌سالاری دینی به معنای روش و شیوه زندگی سیاسی مردمی است که نظام دینی را پذیرفته‌اند و آن نظام حداقل تضمین‌کننده آزادی، استقلال، رضایت‌مندی، مشارکت سیاسی و اجرایی عدالت اجتماعی - سیاسی مردم و در نهایت احساس حاکمیت روح شریعت در زندگی سیاسی مردم باشد.» (پورفرد، ۱۳۸۴، ۵۳)

اشکال این تعریف این است که مردم‌سالاری دینی را به معنای روشی برای زندگی مردم می‌داند در هر حالی که از واژه مردم‌سالاری به‌خوبی فهمیده می‌شود که سالار بودن مردم ناظر به روشی است که از جانب دستگاه حکومتی صورت می‌گیرد نه از طرف خود مردم اعمال شود.

#### ۱-۴- جامعه مدنی

جامعه مدنی مانند بسیاری از مفاهیم وارداتی در علوم سیاسی از اشتراک معنوی برخوردار بوده و تلقی‌های متفاوتی را به همراه داشته است. این مفهوم در قرن ۱۸ میلادی به وابسته بسط نظریه قرارداد اجتماعی به اندیشه سیاسی ورود پیدا کرد. این مفهوم دلالت بر وضعی از جامعه دارد که در آن آدمی زا وضع طبیعی (پیش از درآمدن در زیر قدرت و حکومت و قانون) خارج شد و با دست کشیدن از آزادی‌های طبیعی و عمل آزادانه، به دولت و قانون‌گذاری گردن نهاد. هگل فیلسوف آلمانی، جامعه را به مدنی و سیاسی تقسیم می‌کرد و اولی را مرکب از شهرها و گروه‌های گوناگون با حرفه‌های مختلف آن‌ها تقسیم می‌کرد و اولی را مرکب از شهرها و گروه‌های گوناگون با حرفه‌های مختلف آن‌ها می‌دانست و از جامعه سیاسی، دولت و دستگاه اداری آن را در نظر داشت و آن را محصول تأثیر متقابل اجزای تشکیل دهنده جامعه مدنی می‌پنداشت. (آقا بخشی، ۱۳۷۴، ۵۹) تا پیش از مباحث هگل، جامعه مدنی معادل جامعه سیاسی بود؛ اما به تدریج با بحث‌های هگل آن بخش از جامعه که از کنترل دولت بیرون بود به عنوان جامعه مدنی خوانده شد. در تعریفی دیگر جامعه مدنی را مجموعه تشکلهای صنفی و اجتماعی تلقی می‌شود که نقش دوسویه‌ای در تنظیم خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود و انعکاس این مطالبات به نظام سیاسی و جامعه جهت مشارکت مؤثر اجتماعی، ایفا می‌کند. (شیریه، ۱۳۷۸، ۱۰۲)

#### ۱-۵- حکومت

واژه‌های حکم، حکومت و حاکمیت از ریشه حکم و در حوزه معنایی «بازداشتن» از چیزی است. در لسان العرب آمده است: «عرب می‌گوید حکمت، احکمت، حکمت به معنای منع کردن و بازداشتن». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ۱۴۱).

بر این اساس حکومت نمودن و هم‌ریشه آن حاکمیت به معنای استیلا یافتن و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیتی به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ۱۳۱۴) در زبان انگلیسی حاکمیت معادل sovereignty و دارای ریشه و خاستگاه فرانسوی است. اعراب نیز از واژه‌های «السیادة» و «السلطه» در مفهوم حاکمیت سیاسی استفاده می‌نمایند (پروین و اصلانی، ۱۳۹۱، ۱۲۳) حاکمیت سیاسی بر قدرت